روابط عمان با ایران در دوره سلطان هیثم بن طارق

علیرضا کوهکن*

چکیده

سیاست خارجی هر کشوری ملهم از متغیرهای داخلی و پیرامونی است که به شکل مستقیم و یا با واسطه بر آن اثرگذارند. ساخت سیاسی کشورهای پادشاهی حوزه خلیج‌فارس به گونه‌ای است که سیاست خارجی را بسیار متاثر از جایگاه نهادی پادشاه نموده است. سلطان نشین عمان نمونه اعلایی از این واقعیت سیاسی است. سیاست خارجی در این کشور به شدت تحت تاثیر سلاطین حاکم بر آن بوده است، انزواگرایی عمان در دوران سلطان سعیدبن‌تیمور و چرخش آن به سیاست موازنه مثبت و تعامل شکوفای دوران سلطان قابوس نمونه بارزی از نقش پرقدرت سلطان عمان بر سیاست خارجی است. دهم ژانویه سال ۲۰۲۰ سلطان قابوس بعد از ۵۰ سال سلطنت درگذشت. سلطان جدید عمان، هیثم بن طارق، درخصوص سیاست خارجی و روابط با ایران سابقه چندان روشنی ندارد. این مقاله سعی دارد با روش آینده‌پژوهی و سناریونگاری با متد منطق شهودی، آینده‌های محتمل در سیاست خارجی دوران پساقابوسی را بازنمایی کند. بر اساس عوامل اثرگذار و پیش‌ران‌های اثربخش در آینده سیاست خارجی عمان، شامل تغییر حاکمان، نظرات شخص حاکم، پذیرش مردمی سیاست‌های حاکم، شورای همکاری، آمریکا و ایران، چهار سناریو همنوایی با شورای همکاری خلیج‌فارس، بازگشت به انزواگرایی، تداوم سیاست خارجی و استقلال منطقه‌ای عمان از شورای همکاری و چرخش حداکثری بسوی ایالات متحده، مورد بازآفرینی قرار گرفت و بر اساس میزان استحکام در نظم منطقی سناریوها و شدت وقوع عوامل اصلی در هر یک از سناریوها، سناریوی تداوم سیاست خارجی عمان پس از سلطان قابوس به‌عنوان آینده محتمل برگزیده شد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، سلطان هیثم بن طارق، عمان، آینده‌پژوهی، ایران

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

* koohkan@atu.ac.ir

تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، پیاپی ۳۵، «ویژه‌نامه»، صص ۲۰۴-۱۷۳

مقدمه

کشور عمان پس از آن که قابوس بن سعید آل بوسعیدی ۵۰ سال پیش و در پی یک کودتای آرام، قدرت را از پدر به‌دست گرفت دوره شکوفایی خود را آغاز نمود. اصلاحات ساختاری در نظام اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها، رشد شاخص‌های توسعه انسانی، فرونشاندن منازعات داخلی و تقویت انسجام ملی از جمله دست‌آوردهای دوران زمامداری سلطان قابوس بود. او توانست با استفاده از منابع ارزی ناشی از درآمدهای نفتی و جهانگردی، کشور عمان را که در آغاز زمامداریش سخت عقب افتاده بود، به سوی پیشرفت اقتصادی رهنمون باشد.

به موازات تغییرات اقتصادی – اجتماعی پس از روی کار آمدن سلطان قابوس شاهد چرخش بنیادینی در سیاست خارجی عمان بودیم. سیاست خارجی مسقط از انزواگرایی زمان تیموربن‌سعید به سوی تعامل سازنده با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمان سلطان قابوس تغییر جهت داد و موازنه‌مثبت چارچوب اصولی سیاست خارجی کشور را شکل داد.

سلطنت نشین عمان همانند سایر کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس دارای ساخت حکومتی پاتریمونیال[1]بوده و عمده تصمیمات اصولی کشور از مصدر نهاد پادشاهی و شخص سلطان است که صادر می‌گردد. طبق قانون اساسی عمان[2](Royal Decree No. 101/96) ، شخص سلطان با حفظ جایگاه سلطانی، نخست وزیر، وزیردفاع، وزیر امور خارجه و رئیس بانک مرکزی عمان نیز می‌باشد که این موضوع به وضوح جایگاه نهادی پادشاه در عرصه سیاست داخلی و خارجی را هویدا می‌سازد. در واقع پادشاه عمان، به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور، دارای نقش اصلی و برجسته است جدا از این که کابینه و مجلس این کشور هم نقشی در تعدیل سیاست خارجی این پادشاهی بر عهده دارند.

پیچیدگی و ابهام در سیاست خارجی سلطان هیثم بن طارق آل بوسعیدی، به‌عنوان جانشین سلطان قابوس و جایگاه منحصر بفرد عمان در منطقه که همواره تلاش کرده

1. Patrimonial state
2. The Basic Law of the Sultanate of Oman

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

است تا اصل بی‌طرفی و موازنه مثبت را در منازعات و اختلافات منطقه‌ای حفظ کند، باعث شده که آینده سیاسی این کشور و تبعات منطقه‌ای سیاست خارجی سلطان جدید مورد نگرانی دوستان و متحدان عمان باشد.

پیگیری سیاست خارجی موازنه مثبت از سوی عمان در دوران زمامداری سلطان قابوس و تداوم راهبرد بی‌طرفی در هنگامه منازعات منطقه‌ای، مجال منحصر به فردی را در اختیار سیاست خارجی ایران در منطقه قرار داده بود و بنا بر شواهد، بدیلی را نمی‌توان برای آن برشمرد. بن مایه ضرورت این پژوهش از همین مطلب قوام یافته است. عدم ادعای عمان بر اشغالی بودن جزایر سه‌گانه ایران در خلیج‌فارس برخلاف سایر اعضا، حفظ بی‌طرفی عمان در جنگ ایران و عراق، مساعدت پیگیر و حمایت عمان از گفتگوهای هسته‌ای و نیز تلاش‌های این کشور در اثرگذاری و تلطیف بیانیه‌های ضدایرانی شورای همکاری خلیج‌فارس[1] تنها بخشی از واقعیات سیاست خارجی عمان است که جایگاه این کشور را در سیاست خارجی ایران ممتاز نموده است. در سایه واگرایی مزمنی که همواره بر روابط ایران با اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس و اتحادیه عرب سایه‌افکن بوده، اهمیت جهت‌گیری سیاست خارجی سلطان هیثم بن طارق برای ایران به روشنی قابل فهم است. تداوم و یا دگرگونی سیاست خارجی عمان پس از سلطان قابوس، مساله مهمی برای سیاست منطقه‌ای ایران به‌شمار می‌آید که اهمیت خود را از روابط ویژه ایران و عمان اخذ نموده است. این مقاله سعی دارد با روش آینده‌پژوهی[2] و با استفاده از سناریوپردازی[3] سناریوهای محتملی که در باب جهت‌گیری سیاست خارجی عمان در دوره سلطان هیثم بن طارق امکان وقوع آن می‌رود را بازنمایی کرده و سناریوی محتمل را تبیین نماید. روش پژوهش، سناریونگاری براساس رویکرد منطق شهودی است. در ابتدای کار، عوامل موثر بر سیاست خارجی عمان براساس چارچوب نظری برگرفته از نظریه متغیرهای پنج‌گانه روزنا در ترکیب با نظریه نئوپاتریمونیالیسم مورد شناسایی و تحلیل قرار خواهد گرفت و پس از انتخاب نیروهای پیش برنده از میان این عوامل، ترکیب سناریوهای ممکن بازنمایی خواهد شد و

1. (Persian) Gulf Cooperation Council
2. Futures Study
3. Scenario Writing

سناریو محتمل از آن میان بر اساس نظم درونی و میـزان اسـتحکام در سـاخت منطقـی سناریو انتخاب خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

مقالات و پژوهش‌هایی که در حوزه سیاست و روابط خارجی عمان به رشته تحریـر در آمده‌اند به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: پژوهش‌هایی که عمان را در داخـل مجموعـه کشـورهای عضـو شـورای همکـاری خلیج‌فـارس مـورد مطالعـه قرارمی‌دهنـد و پژوهش‌هایی که مستقلا به عمان پرداخته‌انـد. مقالـه «شـورای همکـاری خلیج‌فـارس و قدرت‌های غربـی: تـداوم و تغییـر در حوزه‌هـای تعامـل» (واعظـی، ۱۳۸۹) بـه روابـط خارجی عمان در قالب یکی از کشورهای حامی حضور نظامی قـدرت‌های فرامنطقـه‌ای پرداخته است و در آن به جنبه‌های دیگر سیاست خارجی عمان و آینده آن توجه نشـده است. در مقاله «شورای همکاری خلیج‌فـارس: سیاسـت خـارجی و رونـدهای داخلـی» (اسدی، ۱۳۸۹) به مبانی شکل‌دهنده سیاست‌خارجی مجموع کشورهای حاشـیه جنـوبی خلیج‌فـارس و بـه تبـع آن عمـان پرداختـه شـده اسـت و بـه مقتضـیات تـاریخی، سوق‌الجیشی، اقتصادی و فرهنگی اثرگذار بـر سیاسـت‌خارجی کشـورهای ایـن حـوزه توجه نشده‌است. دربـاره سـلطان نشـین عمـان و سیاسـت‌خارجی آن بـه نسـبت سـایر کشورهای حوزه خلیج‌فـارس مقـالات فارسـی کمتـری وجـود دارد (ایـن موضـوع بـا جستجویی ساده در بانک‌های اطلاعاتی مقالات و پژوهش‌ها بـه سـادگی قابـل مشـاهده است)، که شاید یکی از دلایل آن روابط آرام و کـم حاشـیه ایـن کشـور بـا همسـایگان خود باشد. درباره روابط خـارجی عمـان بـا کشـورهای همسـایه مقـالاتی چنـد مـورد مشاهده قرارگرفت. مقاله «بنیاد امامت و سلطنت خانـدان ابوسـعیدی مسـقط و عمـان و چالش‌های حکومت‌های ایران در حوزه خلیج‌فارس و دریای عمان» (چمنکـار، ۱۳۹۳)، بـه سیاسـت خـارجی سـلطان نشـین عمـان در چـارچوب سـیر تکـوین ایـن کشـور پرداخته‌است. در مقاله محمدی سیرایی، (محمدی سـیرایی، ۱۳۹۱) ژئوپلیتیـک عمـان و اثرگذاری آن بر سیاست‌خارجی مسقط و به تبع آن روابطش بـا همسـایه شـمالی تنگـه هرمز، ایران، پرداخته شده و عامل جغرافیایی بر سیاسـت‌خارجی عمـان بسـیار پررنـگ

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابـط‌بـین‌الملـل، دوره نهـم، شـماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

دیده شده است. مشابه مقاله پیشین، از دکتر جعفری ولدانی نیز مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان» وجود دارد که محیط ناامن عمان پس از سقوط شاه ایران و بحث امنیت تنگه هرمز را مطرح کرده‌است. از دکتر جعفری ولدانی درباره عمان مقاله «تحلیلی بر ژئوپلیتیک مرزهای عمان با کشورهای هم جوار» (جعفری ولدانی و رامین، ۱۳۹۱) نیز مکتوب است که بر مناقشات مرزی، و تاریخ حدود و ثغور مرزی عمان توجه داشته است.

در مقاله رابی برت (Barret, 2011)، با نام عمان امروز در پرتو گذشته متزلزل، با مرور بر سیر تاریخی شکل‌گیری کشور عمان و سلاطین حاکم بر آن، حال و آینده کشور عمان مورد بررسی قرار گرفته است اما به سیاست خارجی عمان بشکل ویژه توجه نشده است و آینده عمان پس از سلطان قابوس نیز خارج از چارچوب آینده‌پژوهی مورد تحلیل قرار گرفته است. در مقاله پترسن با نام عمان در برابر قرن بیست و یکم (Peterson, 2011)، نیز به حال و آینده عمان از منظر اجتماعی و خصوصاً اقتصادی پرداخته شده است ولی در این مقاله نیز از تکنیک‌های آینده‌پژوهی استفاده نشده است. در مقاله‌ای از ریچارد کومون نیز که با عنوان «موانع توسعه در عمان، رهبری کشور» نوشته شده است (Common, 2011)، نویسنده موانع رشد توسه در عمان را نظام قبیلگی و طایفه محور آن می‌داند و آینده سیاست خارجی کشور را گره‌خورده به نظام ارزشی منبعث از ساختارهای سنتی، خانوادگی سلاطین عمانی می‌داند. هیچکدام از مقالات ذکر شده سیاست خارجی عمان را از منظر آینده‌پژوهی مورد بررسی قرار نداده است.

در حوزه آینده‌پژوهی فارغ از شیوه‌ها، مقالات بسیاری در سال‌های اخیر در داخل کشور به چاپ رسیده‌است و موضوع جالب توجه تنوع موضوعات مورد مطالعه قرار گرفته است، از آینده‌پژوهی درباره صنعت لاستیک (حسن زاده جوانیان، ۱۳۹۲) و اسباب‌بازی (لطفی، ۱۳۹۳) و خرده‌فروشی (گویا، ۱۳۹۳) گرفته تا آینده انرژی (خلعتبری، ۱۳۸۸)، صنعت برق (رازینی و دیگران، ۱۳۸۹) و بررسی نیازهای منابع انسانی برنامه پنجم توسعه (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۸۹)، تبیین آیندهٔ اقتصاد ایران (مومنی و نایب، ۱۳۹۱). در این تحقیقات از روش‌های متنوع سناریونگاری استفاده

شده است، روش دلفی-جمع‌آوری نظرات متخصصان- در مقاله عابدی و دیگران، روش سناریونگاری با نرم‌افزار LEAP در مقاله رازینی و دیگران، روش سناریونگاری GBN در مقاله تبیین آینده اقتصادی ایران.

در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هم مقالاتی با استفاده از روش آینده‌پژوهی به نگارش درآمده‌اند ولی همچنان تعداد این مقالات و حوزه‌های مورد مطالعه آن محدود است. «آینده‌پژوهی ثبات سیاسی ایران» از عبدالمحمود محمدی لرد (محمدی لرد، ۱۳۹۳)، «آینده‌پژوهی سیاست‌خارجی: کد/ ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران و همسایگان» (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۱)، «آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات توزیع جایگشتی» (سیف‌زاده و سعید آبادی، ۱۳۹۰) و مقاله «پیوند آمریکا، ناتو و سایر ساختارهای بین‌المللی با نگاهی به آینده‌پژوهی در روابط بین‌الملل» از نمونه‌های موفق کاربرد آینده‌پژوهی در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. نگارنده با نگاهی کلی به مقالات و مکتوبات فارسی، موردی مشابه تحقیق پیش‌روی که نگاهی آینده پژوهانه به سیاست خارجی عمان داشته باشد را مشاهده نکرده‌است، در بین منابع لاتین نیز اغلب مقالات که به آینده عمان نظر داشته‌اند به دور از متدولوژی خاص آینده‌پژوهی به نگارش درآمده‌اند و نیز از حیث محتوا سیاست خارجی عمان مرکز ثقل مقاله نبوده است و به طیف وسیعی از موضوعات پرداخته شده است. بنگرید به: (Common, 2011)، (Valery, 2015)، (Grappo, 2014)، (Kadhim, 2013)، (Oxford Analytica, 2012)، (Katzman, 2013).

۳. چارچوب نظری

نگاه صحیح نظری از الزامات انجام پژوهش و رسیدن به پاسخ مناسب است و با توجه به وضعیت خاص هر مورد بررسی، نیاز به تعدیل‌هایی در نظریات مختلف وجود دارد. این پژوهش نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و از چارچوب نظری ترکیبی استفاده می‌کند. در این پژوهش برای بررسی عوامل اثرگذار بر سیاست خارجی عمان از چارچوب نظری جیمز روزنا بهره می‌بریم. مطابق نظریه پیوستگی روزنا، پنج دسته

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

عوامل در شکل‌گیری سیاست خارجی موثر هستند که این عوامل عبارتند از: فرد، نقش، ساخت حکومت، عوامل غیرحکومتی و عوامل خارجی (Rosenau, 1971: 310-330).

عامل فرد به معنای ویژگی‌های شخصی و شخصیت تصمیم‌گیر، نقش به معنای نقش و جایگاه تصمیم‌گیر، ساخت حکومت به معنای ساختار سیاسی و اختیارات تصمیم‌گیر، عوامل غیرحکومتی شامل جغرافیا، تاریخ، ویژگی‌های اجتماعی و گروه‌های ذی‌نفوذ و عوامل خارجی شامل قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موثر برسیاست خارجی هستند. البته همه این عوامل در همه کشورها به یک میزان اثرگذار نیستند و با توجه به ویژگی‌های ملی و اجتماعی اثرگذاری متفاوتی دارند. به همین منظور نیازمند نظریه دیگری هستیم که از بین این عوامل، مهمترین‌ها را در عمان برای پژوهشگر مشخص کند. به این منظور از نظریه نئوپاتریمونیالیسم استفاده می‌شود. نئوپاتریمونیالیسم[1] گونه تازه پاتریمونیالیسم در نظام‌های سنتی است. ماکس وبر[2] پاتریمونیالیسم را گونه‌ای از حاکمیت سیاسی سنتی می‌داند که در آن یک خاندان شاهی، با دستگاه عریض و طویل اداری و کاربرد زور، اعمال قدرت می‌کند. وبر، پاتریمونیالیسم یا «سلطه موروثی» را بیشتر برای کشورهای خاورمیانه مطرح می‌کند و بر آن است که ابتدایی‌ترین ساخت سیاسی سنتی با فرمانروایی یک تن بر قبیله شکل می‌گیرد و دستگاه اداری – اجرایی، به گونه مستقیم از اعضای پرشمار خانواده پدرسالار پدید می‌آید. افزایش اعضای این بوروکراسی بزرگ و دگردیسی آنان به کارگزاران حکومت، ساخت پدرسالارانه را به ساخت پاتریمونیال مبدل می‌سازد (وبر، ۱۳۷٤: ۳۹٤-۳٤٥). ساموئل هانتینگتون[3] ویژگی برجسته نظام‌های نئوپاتریمونیال را «تمرکز قدرت در فرمانروا» می‌داند و بر آن است که اعمال قدرت در این گونه نظام‌ها، بستگی به نزدیکی به فرمانروا، دسترسی به او و برخورداری از پشتیبانی او دارد. وی برخی از ویژگی‌های این‌گونه نظام‌ها را سرپرستی، خویشاوندگرایی، رفیق بازی و فساد می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۰:۹۱).

1. Neopatrimonialism
2. Max Weber
3. Samuel P. Huntington

پس از جنگ جهانی دوم، شماری از شارحان نظرات وبر، همچون خوان لینز[1]، هوشنگ شهابی، جیمز بیل[2]، راینهارد بندیکس[3]، احمد اشرف ، جک گلدستون[4] و بریان ترنر[5]، برای نشان دادن درستی نظرات او درباره کشورهای آسیایی و آمریکای‌لاتین، کوشش چشمگیر کردند (ازغندی، ۲۷:۱۳۸۵). برخی از این پژوهشگران میان نظام‌های پاتریمونیال و نئوپاتریمونیال تفاوت‌هایی قائل شده‌اند. از دید خوان لینز، نظام‌های نئوپاتریمونیال که از دل مناسبات مدرن برآمده‌اند، سیمایی تندروتر و شخصی‌تر به خود می‌گیرند. گذشته از آن، در بیشتر نظام‌های نئوپاتریمونیال، نمادهای رسمی و نهادهای به‌ظاهر دموکراتیک برقرار است، ولی قدرت اصلی همچون گذشته در دست فرمانروا است. این‌گونه دولت‌ها، نظام اقتصادی ناروشن و پایگاه اجتماعی محدود دارند. نظام نئوپاتریمونیال همچنین آمیزه‌ای از خویشاوندپروری، رفیق بازی، دادن پاداش و امتیاز برای به دست آوردن وفاداری، پشتگرمی به نیروهای خارجی و آسیب پذیربودن دولت در برابر نیروهای اجتماعی است (شهابی، ۱۳۸۰: ۱۹-۲٤). در مجموع، ویژگی‌های این گونه نظام‌ها را چنین می‌توان برشمرد:

شخصی بودن قدرت، اندک بودن نهادمندی سیاسی، انحصار سیاسی، رسمی نبودن مناسبات، وجود شبکه خاصه بخشی، پشتگرمی به ارتش و نیروهای امنیتی، دیوان سالاری و پیروی از سیاست ایجاد پراکندگی و تنش میان هواداران و مخالفان (شرابی، ۱۳۸۰).

با توجه به توضیحات ذکرشده، براساس نظریه روزنا و با تاکیدات نئوپاتریمونیالیسم، پیشران‌های مورد تاکید در این پژوهش، شخصیت و ویژگی‌های فردی حاکم و تغییرات حاکمان و نقش حاکم (به‌عنوان مهمترین عوامل)، ساخت سیاسی حکومت عمان، عامل ژئوپلیتیک به‌عنوان مهمترین بخش از عوامل غیرحکومتی در کشوری با وضعیت عمان، و تاثیر عوامل شورای همکاری، آمریکا و ایران به‌عنوان

1. Juan Linz
2. James Bill
3. Reinhardt Bendix
4. Jack Goldstone
5. Bryan turner

پژوهش‌های روابط بین‌الملل
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

عوامل خارجی در نظر گرفته خواهد شد. بر این اساس به‌نظر می‌رسد این ترکیب بهترین امکان توضیح شکل‌گیری و تغییر داخلی سیاست خارجی عمان را داشته باشد.

٤. روش پژوهش

آینده[1] به مفهوم قطعیت‌ها و لابدها نیست؛ بلکه آمیزه‌ای از ممکن‌ها و محتمل‌ها و حتی مقوله‌های تازه و نوپدید است؛ با این حال، می‌توانیم دانش و ادراک خود از این امکان‌ها و احتمال‌ها را افزایش دهیم. آینده‌پژوهی دانش و مقوله‌ای میان رشته‌ای است که در پی یکپارچه‌سازی اقدام‌ها و ارزش‌ها است. آینده‌پژوهی «دانش اقدام» است که آینده‌پژوهان در چارچوب و قلمرو آن می‌کوشند، آینده‌های ممکن را بر پایه روندهای موجود و دیگر داده‌های علمی، پیش‌بینی و یا کشف کنند و از سویی، این آینده‌های ممکن را در پرتو ارزش‌های انسانی مورد توجه قرار دهند و از این رهگذر، برنامه‌ها و سیاست‌هایی را برای تحقق دلخواه‌ترین ممکن پی‌ریزی کنند. در فهرست مفروضات پیش‌گفته می‌توان گذاره‌های فراوانی را مشاهده کرد موید این عبارت است: (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲: ۷۹) «آینده، یعنی ممکن‌ها»؛ ممکن‌هایی که می‌توانیم آن‌ها را ارزیابی کنیم و تصمیم‌هایی را برای آن‌ها پیشه سازیم، به‌گونه‌ای که ممکن‌ها به دلخواه‌ترین آینده‌ها مبدل شوند و سرانجام به برنامه‌ها و اقدام‌هایی، فرجام یابند. این تصمیم‌های ما است که آینده را رقم می‌زند (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲: ۸۰).

درمقابل جبری که تفکر عوام بر آن استوار است، آینده‌نگاری[2] نیرویی برای شکل‌دهی به آینده حتی در زمان‌های بحرانی و آشوبناک در اختیار قرار می‌دهد. کسانی که قادرند تفکری نسبت به آینده و زمان پیشرو داشته باشند نسبت به نسل ماقبل خود زندگی بهتری خواهند داشت، بدان سبب که آن‌ها برای بهره‌برداری از مزایای فرصت‌های جدیدی که پیشرفت‌های سریع فناوری و اجتماعی ایجاد می‌کنند، آماده‌اند (حافظی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۳).

1. Future
2. Foresight

سناریو[1] چهره آینده است. پیش‌گویی نیست، هدف سناریوسازی، گسترش تفکـر در مورد آینده و عریض‌تر کردن طیف آلترناتیوهایی است که می‌تواند مورد نظـر مـا باشـد. سناریو مجموعه امکاناتی است که بـه آینـده مـرتبط می‌شـوند. آینـده نـامعلوم اسـت و سناریو، اندیشیدن در مورد نامعلومی را به ما می‌آموزد.

سناریونگاری روش بسیار مؤثر و مفیدی برای برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمـدت در شرایط عدم قطعیت است. این روش به واحدهای تحلیل کمک می‌کند که علاوه بر تهیه برنامه‌ریزی‌های متعدد برای رویدادهای غیرمترقبه، جهت‌گیری درسـتی نسـبت بـه سـیر رویدادهای آینده داشته و بنابراین موضوعات مهم و درستی را در کانون توجه خود قرار دهند. (هانس، ۳۸:۱۳۸٦). در حقیقت سناریوها را می‌توان برای اهداف متعددی بـه کـار برد. در این حالت رسـیدن بـه نتـایج عملـی در کـانون توجـه اسـت. سـناریوها شـاید انگیزه‌بخش اکتشاف ایده‌های بهتر و جدید یا فیلتری بـرای ارزیـابی ایـده‌ها و پروژه‌هـا باشند. در این موارد، عملکرد سناریوها درون فرایند اقدامات جدید ظهـور می‌کنـد. امـا سناریوها را می‌توان برای ارزیابی نیز به کار برد. به‌عنوان مثـال: ارزیـابی اسـتراتژی‌ها و رفتارهای موجود یک واحد تحلیل.

در سناریونگاری روش‌های مختلفی چون منطق شهودی، منطق تـأثیر بـر رونـدها و منطق تأثیرات متقابـل وجـود دارد کـه مـا در ایـن مقالـه از روش سـناریونگاری منطـق شهودی[2]استفاده می‌کنیم. بر اساس منطق شهودی نیروهای پـیش برنـده سـناریوها از دل متغیرهای عامل، بر اساس شدت عدم قطعیت و نیز درجه اهمیت برای موفقیت موضوع یا تصمیم انتخاب می‌شوند. پس از بازیابی نیروهای پیش‌ران، منطق دهی به سـناریوها و کشف سناریوی محتمل از میان سناریوهای ممکـن پایـان کـار سـناریونگاری شـهودی خواهد بود. داده‌ها در رویکرد شهودی کیفی هستند و محدوده انتخاب منابع غیر محدود و باز است.

1. Scenario
2. Intuitive logic

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابـط بـین‌الملـل، دوره نهـم، شـماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

۵. عوامل شکل‌دهنده و تأثیرگذار بر سیاست خارجی عمان

قدم نخست در تدوین سناریو در واقع تعریف موضوع یا تصمیم‌های کلیدی واحد تحلیل است که می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر آینده سیستم مورد بررسی داشته باشد. موضوع اصلی تحلیل در این بخش این مساله است که سیاست خارجی عمان از چه عوامل مستقیم و غیرمستقیمی متاثر است و سویه سیاست خارجی عمان در دوره سلطان هیثم به کدام سوی است؟ در گام بعدی فهرستی از عواملی که بیشترین تأثیر مستقیم را بر سیاست خارجی عمان دارند را بررسی خواهیم کرد تا محرک‌های پیشران سناریوها را بازشناسی کنیم.

عمده عوامل موثر بر سیاست خارجی عمان را می‌توان در دو دسته عوامل شکل دهنده درونی و عوامل بیرونی دسته‌بندی نمود. مطابق چارچوب نظری پژوهش، در باب عوامل اثرگذار بر سیاست خارجی یک کشور، عوامل درونی اثرگذار بر سیاست خارجی عمان عبارتند از شخصیت سلطان، ساخت سیاسی عمان اعم از نقش‌ها و نهادها و نیز ژئوپلیتیک کشور (گراهام، ۱۳٦٤: ۲۸۸-۲٦٦). ساختار منطقه‌ای خصوصاً شورای همکاری خلیج‌فارس و نیز ساختار نظام بین‌الملل نیز در زمره عوامل بیرونی اثرگذار بر سیاست خارجی عمان به‌شمار می‌آیند (Rosenau, 1971: 95-150)، که در ادامه بررسی خواهند شد.

۵-۱. شخصیت و نقش سلطان

کشور عمان یکی از نمونه‌های روشن تاریخی در باب اثرگذاری پادشاه بر جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی است. سلطان سعیدبن‌تیمور در سال ۱۹۳۲ به‌جای پدر خود تیموربن‌فیصل که انگلیسی‌ها او را برکنار کرده بودند، به قدرت رسید. در این دوره سیاست خارجی عمان در پوسته انزواگرایی[1] قرارداشت (Akseki, 2010:28). زمینه نامساعدی که در منطقه خلیج‌فارس و خارج از آن، علیه سلطان سعیدبن‌تیمور وجود داشت، سبب شد که دولت محافظه‌کار انگلیس زمینه برکناری وی و موجبات سلطنت قابوس را فراهم آورد. در آغاز سلطنت وی نام سرزمین مسقط و

1. Isolationism

عمان به سلطنت‌نشین عمان تغییر یافت و علاوه بر انجام برخی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی محدود، باب ارتباط و مروارده با سایر کشورهای جهان به‌خصوص همسایگان مفتوح گردید. سلطان قابوس پس از رسیدن به قدرت، سیاست خود را مبنی بر ترک انزوا و برقراری روابط با دنیای خارج و انجام پاره‌ای اصلاحات اعلام نمود. سلطان قابوس توانست که با نگاهی واقع‌گرایانه به محیط پیرامونی عمان پایه‌گذار راهبرد موازنه مثبت در سیاست خارجی باشد و تعاملی با حداقل تنش ممکن با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و عربستان و نیز قدرت‌های بین‌المللی داشته باشد. شخصیت آرام و منش صلح‌مدارانه شخص سلطان قابوس در پیگیری چنین سیاست خارجی غیرقابل چشم‌پوشی است. (Valeri, 2014: 1).

سلطان هیثم بن طارق، پسرعموی سلطان قابوس، مدت‌ها در سمت وزیر فرهنگ و معارف مشغول به کار بوده است. به لحاظ شخصیتی مشهور است که جهتگیری‌اش با عربستان و امارات همراستا نیست و علاقه زیادی به همکاری با شورای همکاری خلیج‌فارس ندارد. این موضوع می‌تواند باعث ایجاد تنش‌های جدید در منطقه شود. این شخص درس خوانده انگلستان است و با پادشاهی انگلیس رابطه نزدیکی دارد. در اخرین سفر، میزبان دربار انگلستان در عمان بوده و سفرهای متعددی به انگلستان دارد (Vera and others, 2020). سلطان هیثم برخلاف دو برادر ناتنی‌اش، سابقه نظامی‌گری نداشته و بیشتر مشغول تجارت، فرهنگ و امور خارجی بوده است. او سابقه تحصیل در اکسفورد را داشته و مانند سلف خود، به علاقه به فرهنگ به‌خصوص موسیقی و اوپرا شناخته می‌شود. ارتباط او مانند همه پادشاهان اخیر عمان با خاندان سلطنتی انگلیس قوی است و می‌تواند تضمینی برای تداوم نفوذ انگلستان برسیاست در سلطنت‌نشین عمان باشد (Bianco,2020). سلطان هیثم سیاست خارجی خود را ادامه راه سلطان قابوس اعلام کرده است و به‌نظر می‌رسد رویکردی محافظه کارانه به تحولات سیاست خارجی داشته باشد (Hubbard,2020).

۲-۵. ساخت سیاسی عمان

نوع رژیم سیاسی هر کشوری نقش قاطعی در شکل‌دهی به سیاست خارجی آن خواهد داشت. برای نمونه در نظام‌های بسته هیئت حاکمه با دستکاری افکار عمومی، حمایت

پژوهش‌های روابط بین‌الملل
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

گسترده مردمی را برای چرخش‌های استراتژیک در سیاست خـارجی جلـب کـرده و از آنجا که ساختار تصمیم‌گیری در این دسته از کشورها معمولاً بـه چنـد نفـر به‌خصـوص محدود است انتظار تصمیمات آنـی از آن دور از ذهـن نیسـت (بـاربر و اسـمیت، ۱۵۵: ۱۳۸٤).

سلطنت عمان تا نوامبر سال ۱۹۹٦ میلادی فاقد قانون اساسی بـود و تنهـا براسـاس فرامین سلطانی که در آن چگونگی تشکیل وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی مشخص شـده بود، اداره می‌شد. به‌دنبال صدور فرمان قانون اساسی متشکل از هفت فصـل و ۸۱ مـاده نظام سلطنت عمان موروثی تعیین شد (valery, 2006:158). فصول این قانون عبارتنـد از: دولت و سیستم حکومت، اصـول هدایت‌کننـده سیاسـت دولـت، حقـوق و وظـایف عمومی، رئیس دولت، مجلس عمان، نظام قضایی و مفاد کلی. بر اسـاس مـاده ٤١ ایـن قانون شخص سلطان رئیس کشور و فرمانده کل نیروهای مسلح بـوده، دارای مصـونیت است، احترام به او واجب و اوامر وی مطاع است. همچنین وی رئیس شـورای وزیـران است و اختیار نصب و عزل معاونین نخست وزیر، وزراء، معـاونین وزراء، مـدیران کـل وزارتخانه‌ها، قضات عالیرتبه و سفرا را بر عهده دارد (Oman's Constitution, 2020). این قانون در سال ۲۰۱۱ و در پاسخ به اعتراضات در کشورهای عربی کمی تغییر کرد و متممی به امضای سلطان قابوس به آن اضافه شد. در این متمم در پنج بخش تغییراتی در نظام سیاسی عمان داده شد که مهمترین آن‌ها، بخش پنجم متمم بود که به ماده ۵۸ قانون اساسی می‌پرداخت و تعاریف، وظایف و اختیارات مجلسین عمان را توضیح می‌داد. بـا این تغییرات، این ماده قانون اساسی به بزرگترین ماده آن تبدیل شـد و نویـد یـک نظـام سیاسـی مترقـی را بـرای آینـده عمـان میـداد (Omani Ministry of Legal Affairs official site, 2011). البته ایـن مـوارد تـا زمـان مـرگ سـلطان قـابوس تـاثیر واقعـی برسیاست عمان نداشت و این کشور همچنان در اختیار کامل سلطان اداره می‌شد.

۳-۵. ژئوپلیتیک عمان

ژئوپلیتیک، مطالعه تاثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست دولت‌هاست. دولت‌ها با توجـه بـه ملاحظات جغرافیایی خود سیاست‌گذاری می‌کنند. عوامـل جغرافیـایی متعـدد هسـتند و

یکی از آن‌ها موقعیت جغرافیایی است. موقعیت جغرافیایی کشورها نقش مهمی در سیاست خارجی آن‌ها دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۳۸).

عمان در مرکز پرترددترین منطقه دریانوردی میان شبه‌قاره هند و آفریقا قرار دارد، دو منطقه‌ای که بالاترین رشد جمعیت و شاید بالاترین رشد طبقه متوسط در دهه‌های آینده را دارد. علاوه براین، عمان در کنار خود دو همسایه قدرتمند رقیب را دارد که داعیه قدرت منطقه‌ای را دارند. به هیچ‌وجه جای تعجب نیست که با این وضعیت ژئوپلیتیکی عمان سیاست خارجی آرام و میانه‌ای را دنبال کند (Kaplan, 2013). به این مورد می‌بایست همجواری عمان با تنگه استراتژیک هرمز را نیز اضافه کرد. در میان تنگه‌های استراتژیک جهان، تنگه هرمز به‌دلیل عبور نفتکش‌ها، مهم‌ترین گذرگاه استراتژیک جهان است. امنیت قسمت شمالی عمان یعنی شبه جزیره مسندم[1] به امنیت این تنگه به شدت وابسته است (آدمی و مختاری، ۱۳۹۶: ۲۲۰-۲۲۸) و در نمایی بزرگتر همجواری عمان با تنگه هرمز باعث شده که ایران به‌عنوان همسایه شمالی تنگه و ایالات متحده به‌عنوان قدرت تضمین‌دهنده امنیت دریایی منطقه در گستره سیاست خارجی عمان از جایگاه شاخص‌تری برخوردار شوند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹:۴۲). اگرچه این موارد موقعیت جغرافیایی عمان را نسبت به دیگر همسایگانش متفاوت ساخته است و تاثیراتی بر سیاست‌های داخلی و خارجی عمان داشته است اما به تنهایی توضیح‌دهنده سیاست خارجی عمان نمی‌تواند باشد و در کنار دیگر عوامل باید مورد معنایابی قرار گیرد.

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

٤-٥. ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بر سیاست خارجی عمان

براساس چارچوب نظری مختار این پژوهش باید به عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بر سیاست خارجی عمان نیز پرداخته شود. از زمانی که شورای همکاری خلیج‌فارس تشکیل شد، عمان با شرط اینکه به بحران‌ها و مناقشات عربی-عربی و دسته‌بندی‌های عربی-ایرانی ورود نکند، به عضویت آن درآمد. ضمن آنکه عمان از ۱۹۸۵، مشی سیاسی روشن‌تری نسبت به مسائل منطقه‌ای در پیش‌گرفت و با حفظ موضع بی‌طرفانه خود، در جهت تشنج‌زدائی در مسائل منطقه حرکت کرد. به‌عنوان مثال عمان در سال۱۹۸۷ با نظر

1. Musandam Peninsula

عربستان مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس با تهران در پی ماجرای کشتار حجاج سرسختانه مخالفت نمود (جعفری ولدانی، ۱۳۸٤: ٥٦٣-٥٦٢). اما این مساله به هیچ‌وجه نافی این امر نیست که عمان به ضرورت وجود چنین سازمانی که بر اساس مقتضیات امنیتی برخواسته از نگرانی‌های کشورهای موسس آن تشکیل شده است متاثر نباشد.

در ارتباط با ایران می‌توان گفت که عمان رابطهٔ تنگاتنگی میان حفظ امنیت تنگه هرمز و امنیت خود قائل است. این مسئله انگیزهٔ این کشور را به داشتن روابط نزدیک و دوستانه با تهران تشدید می‌کند. عمان به این حقیقت واقف است که هرچه تغییر کند، عامل جغرافیایی تغییر نمی‌کند. نزدیکی جغرافیایی ایران و عمان در تنگه هرمز، دور افتادگی جغرافیایی عمان از جهان عرب و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی تنگه هرمز عمان را ملزم به داشتن روابط حسنه با ایران کرده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۳۵).

عراق دیگر همسایه منطقه‌ای عمان است که خارج از شورای همکاری خلیج‌فارس دارای روابط پرفراز و نشیب با عمان بوده است. تا قبل فروپاشی نظام بعثی عراق، عمان روابطی نه چندان گرم با این کشور داشته و همواره با ظن و تردید به سیاست‌های منطقه‌ای عراق چشم دوخته بود. ریشه این بدگمانی عمان بر می‌گشت به حمایت دولت عراق از شورشیان چپ‌گرای ظفار در زمان جنگ داخلی عمان (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۸۵). اما پس از روی کار آمدن دولت جدید در عراق عمان سعی کرد با فاصله گرفتن از سیاست‌های تند ریاض در قبال عراق رویکرد متعادلی به اتفاقات و بحران‌های عراق داشته باشد.

کشور اثرگذار مهمی که جایگاه ممتازی در سیاست خارجی عمان دارد ایالات متحده آمریکاست. روابط ایالات متحده با عمان دارای قدمتی حدودا ۲۰۰ ساله است. عمان یکی از قدیمی‌ترین روابط را در بین کشورهای عربی با ایالات متحده داراست. پس از خروج بریتانیا از خلیج‌فارس ایالات متحده در جهت تحکیم موقعیت سیاسی خود در منطقه در سال ۱۹۷٤ اقدام به تاسیس نمایندگی دیپلماتیک در عمان نمود (Peterson, 2014: 3). در این راستا عمان در سال ۱۹۸۰ پیمان دفاعی ده ساله‌ای را با ایالات متحده بست که همواره تا به امروز تمدید شده است. این پیمان عملا عمان را به

یکی از مهره‌های اصلی ترتیبات استراتژیک ایالات متحده در خلیج‌فارس و اقیانوس‌هند تبدیل کرده است (آنفان، ۱۳۷۹: ٤٠٨).

٦. تحلیل نیروهای پیش‌ران

گام بعدی در تدوین سناریوها شناسایی نیروهای پیش‌ران تغییرات است. این نیروها در واقع به عوامل کلیدی و موثر شناخته شده در گام قبلی شکل بخشیده و وضعیت آن‌ها را مشخص می‌کنند. نیروها می‌توانند شامل نیروهای پیش‌ران تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی، و زیست‌محیطی باشند. بنابر ماهیت عوامل شناخته شده اصلی قابل شناسایی هستند. در رویکرد منطق شهودی، عوامل کلیدی و روندهای پیش‌ران براساس دو معیار انتخاب می‌شوند: (Ogilvy, 1998: 7) نخست، درجه اهمیت برای موفقیت موضوع یا تصمیم اصلی و دوم، درجه عدم‌قطعیت احاطه‌کننده آن عوامل و روندها. عوامل پیش‌ران که در جدول زیر آمده است، نیروهای جانبخش به سناریوها هستند.

پیش‌ران‌های داخلی	تغییرات حاکمان	شخص جانشین	پذیرش مردمی
پیش‌ران‌های محیطی	شورای همکاری	ایالات متحده	ایران

٦-١. تغییرات حاکمان

نظام حکومتی پنجاه سال گذشته عمان مبتنی بر خواست و نگرش سلطان قابوس ایجاد شده بود. مقامات حکومتی نیز براساس نظر قابوس انتخاب می‌شدند و کنار می‌رفتند. بیشتر این مقامات سن بالایی دارند و در بیست سال اخیر مناسب خود را حفظ کرده‌اند. اینکه در دوره سلطان جدید، حاکمان و مشاوران تغییر کنند، نه تنها عجیب نیست بلکه به دلایلی چون سن بالای بعضی از آن‌ها، ضروری نیز به‌نظر می‌رسد. اما اینکه این افراد چگونه تغییر می‌کنند و چه کسانی جای آن‌ها را خواهند گرفت، بسیار مهم است. در این بین، تغییرات وزارت خارجه و وزیر خارجه، یوسف بن علوی از همه مهمتر است.

از دیگر مقامات اثرگذار، شاهزاده فهدبن‌محمودآل‌سعید معاون نخست‌وزیر و ژنرال سلطان‌بن‌محمدالنعمانی وزیر دفتر سلطان هستند. شاهزاده فهدبن‌محمودآل‌سعید متولد

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط‌بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

۱۹٤٤ است و از سال ۱۹۷۰ تاکنون سمت معاون نخست‌وزیر در امور کابینه را بر عهده دارد، فهدبن‌محمود یک سخنگوی مناسب و دیپلماتی ماهر در سلطنت عمان است و در بیشتر نشست‌ها به نیابت از سلطان از نمایندگان و مسئولان بین‌المللی استقبال کرده است. البته او از شاخه‌ای دیگر از خاندان آل‌سعید است و همچنین دارای همسری فرانسوی است؛ به این موارد می‌توان سن بالای او و عدم محبوبیت در نزد افکار عمومی را نیز اضافه کرد (aljazeera, 2020). این مسائل حذف او را محتمل می‌کند.

مهمترین افراد دیگر، دو فرزند طارق، عموی فقید قابوس خواهند بود. شهاب‌بن طارق‌بن‌تیمورآل‌سعید متولد ۱۹۵٦، به‌عنوان مشاور سلطان و همچنین رئیس شورای پژوهش‌های علمی عمان فعالیت می‌کند. وی پیشتر فرمانده نیروی دریایی عمان آن هم در سال ۱۹۹٤ تا ۲۰۰٤ میلادی بود. شهاب و البته هیثم، سلطان جدید، هردو حاصل ازدواج دوم طارق هستند. اما برادر بزرگ سلطان جدید که حاصل ازدواج اول طارق نیز است و به این سبب دارای نفوذ بیشتری در خانواده است اسعدبن طارق‌آل‌سعید می‌باشد (Vera and others, 2020). اسعد فردی با زمینه نظامی است. او فارغ التحصیل آکادمی سندهورست است و در ارتش ریاست نیروی زرهی را بر عهده داشته است. او از سال ۲۰۰۲ تاکنون نماینده ممتاز سلطان در بسیاری از کنفرانس‌ها و مجالس بین‌المللی بوده است و همچنین در دیدار با سفرا، وزرا و افراد بلند پایه بین‌المللی نمایندگی سلطان را برعهده داشته است. این فرد بر اساس پیشینه، سوابق اجرایی و خصوصیات فردی و فارغ از عوامل محیطی و درونی دیگر مایل به حفظ سیاست‌های داخلی و بین‌المللی عمان است (Grappo, 2015).

مهمترین اظهار نظر پادشاه جدید درباره استفاده از جوانان در حکومت جدید بوده است. این بخشی مهم از سند ۲۰٤۰ عمان برای توسعه و جدا شدن اقتصادش از تک محصولی و وابسته به درآمد نفتی بودن است. سلطان جدید عمان که خود مسئول تدوین این سند در زمان قابوس بوده، به خوبی از سختی اجرای آن خبر دارد. او به خوبی می‌داند که برای تحقق اهداف ترسیم شده این چشم انداز به حمایت‌های داخلی بیش از حمایت‌های خارجی نیاز دارد و به همین منظور برای افزایش درآمد سرانه ملی و کاهش نرخ بیکاری و جایگزینی نیروی کار عمانی به جای نیروی کار خارجی و تامین و توسعه

تولید و گردشگری و جذب سرمایه‌های خارجی در حال برنامه‌ریزی است و فرامین اخیر سلطنتی در زمینه تنظیم بازار نیروی کار نشان از این اهتمام ویژه دارد (Kutty,2020).

در عمان شاهد بخش مدنی قدرتمند نیستیم و حتی سازماندهی‌های مبتنی بر ارتباطات جدید در بستر شبکه‌های اجتماعی نیز قدرت خاصی ندارد. شاهد این ماجرا نیز عدم تحرک این بخش در عمان در ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ است که اکثر کشورهای عربی را دچار تغییرات اساسی کرد (سیمبر و زیبایی، ۱۳۹۵: ۸). تنها محمل چنین تجمع و تحرکی، مشکلات اقتصادی است که گرچه عمان در حال حاضر در ثبات نسبی به سر می‌برد اما براساس پیش‌بینی‌های معتبر بین‌المللی، با ورود به بحران فاصله زیادی ندارد و کسری بودجه و بدهی عمومی آن وارد مرحله خطر شده است (world bank, 2020).

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

۲-٦. شخص جانشین

آنچه که از شمای کلی خاندان آل‌سعید و نیز نظر اکثر کارشناسان امور عمان مشهود است، جانشین سلطنت عمان توانایی پر کردن جای سلطان قابوس را نخواهد داشت و با مشکلات مشروعیتی، داخلی و خارجی متعددی روبرو خواهد شد (Vera and others, 2020) (Katz, 2004) (Valery, 2015) (Grappo, 2015).

هیثم‌بن‌طارق‌آل‌سعید، سلطان جدید عمان، متولد ۱۹٥٤ بوده از سال ۲۰۰۰ تاکنون وزیر فرهنگ و میراث است و پیش از آن از سال ۱۹۸٦ تا ۱۹۹٤ در سمت معاون دبیرکل و دبیرکل وزارت‌خارجه عمان فعالیت کرده و بارها در کسوت فرستاده ویژه دولت عمان در امور بین‌المللی حضور فعال داشته است. البته هیثم به موازات امور سیاسی بسیار در تجارت و امور اقتصادی فعال است و بحث‌هایی در باب سوء استفاده مالی و فساد اقتصادی او نیز شایع است (Hubbard,2020). او درس خوانده آکسفورد است، به هنر و موسیقی گرایش زیادی دارد، در برنامه‌ریزی سند ۲۰٤۰ عمان نقش اساسی داشته و مسئول پروژه خارج‌کردن عمان از اقتصاد تک محصولی بوده که البته تا کنون در این خصوص موفق نبوده است. او همچنین مشهور به داشتن شخصیتی آرام و محافظه کار است، بسیار به خانواده سلطنتی انگلستان و سیاست‌هایش نزدیک بوده و

پسر بزرگش نیز درس خوانده دانشگاه آکسفورد و از مدیران وزارت خارجه عمان است (Bianco,2020).

درباره سلطان هیثم در مورد حفظ سیاست‌های کلی عمان نمی‌توان با صراحت سخن به میان آورد. با این وصف کـه او بسـیار در تجـارت عمـان فعـال اسـت و بخش‌هـای گردشگری، تبلیغات، رسـانه، ارتباطـات، خـدمات انـرژی و سـاخت و سـاز بـا نـامش گره‌خورده است، (WikiLeaks, 2009) احتمال اینکه منافع وسیع اقتصادی سلطان هیثم در تعیین اصول سیاسی حکومتش موثر باشد، بسیار بالاست.

۳-٦. پذیرش مردمی

سلطان جدید عمان فارغ ازاینکه چه سیاستی دارد، مجبور به کسـب وفـاداری و جلـب حمایت مردم است. سلطان هیثم در ابتدای مسـیر خـود می‌توانـد در برابـر چالش‌هـایی قرارگیرد که ازنظر اهمیت درحد چالش‌های ابتدای سلطنت قابوس اسـت. عمانی‌هـا بـه نسبت ٤٥ سال قبل، امروزه بسیار تحصیلکرده‌تر و درگیرتـر در مسـائل سیاسـی و ملـی کشور خود هستند و دارای مطالبات جدی از دولت‌اند. کسب وفاداری و بیعت از مردمی که بیش از ۸۰ درصد آن هیچ‌گاه سلطان دیگری جز قـابوس را درک نکرده‌انـد یکـی از چالش‌های مهم دوران پساقابوسی است. بیعت گرفتن از مردم در عمان به شـکل سـنتی صورت می‌پذیرد و با دیدار سلطان با شیوخ قبایل عمانی تحقق می‌یابد. سلطان قـابوس پس از برکناری پدرش در سال ۱۹۷۰تا یک سال مشغول جلب اعتماد قبایل و و بیعـت گرفتن بود و حتی تا نرسیدن به این مهـم از لفـظ سـلطان بـرای خـود خـودداری کـرد (قاسمی نژادمایانی، ۱۳۷۳).

یکی از نکات مهم در این خصوص، سلطنت مطلقه قابوس در عمان است که ادامه یا عدم ادامه آن در نگاه مردمی اثر قابل توجهی دارد. برخلاف دیگر پادشاهی‌های منطقه، همه قدرت در عمان در اختیار قابوس قرار داشت و حتی وزرا در این کار نقشی نداشتند زیرا او همه مناصب اصلی را اشغال کرده بود. او پادشاه، نخسـت وزیـر، وزیـر دفـاع، وزیـر خارجه، وزیر کشور و فرمانده نیروهای مسلح بود. در حوزه اقتصاد، او وزیـر اقتصـاد و رئیس بانک مرکزی بود. به صورت خلاصه همه ارکان قدرت در دسـت او بـود. جملـه

مشهوری میان اندیشمندان عرب بود که «آل سعود عربستان را اداره می‌کند و آل صباح کویت را ولی عمان را قابوس اداره می‌کند». این روال در زمان سلطان هیثم قابل تداوم نیست. زیرا از سویی او مانند قابوس در خانواده‌اش بی‌رقیب نیست و دو برادر ناتنی دارد که هرکدام کاندیدای پادشاهی بودند و از سوی دیگر دو فرزند دارد که احتمالا سلطنت به آنها به ارث خواهد رسید. به همین سبب خانواده سلطنتی عمان بسیار بیشتر از دوران قابوس خواهان دخالت در اوضاع هستند. امری که در دوران قابوس وجود نداشت.

همچنین مشکلات اجتماعی در عمان رو به فزونی است. مشارکت اجتماعی جوانان نسبت به نقطه اوجش با ٧٦ درصد در سال ٢٠١١ کاهش پیدا کرده است، بدهی عمومی از ٥ درصد به ٥٦ درصد رسیده است، میزان بدهی دولت از ٥٠ میلیارد دلار رد شده است، و برخلاف دوران قابوس، شاه جدید دارای شخصیت کاریزماتیکی نیست که بتواند به راحتی این بحران‌ها را رد کند (Diwan,2020). به همین سبب او در اولین اقداماتش با تغییر مقامات اقتصادی، که وزیر کشاورزی و شیلات از مهمترینشان بود، و تلاش برای سامان دادن به اوضاع سعی کرد افکار عمومی نسل جوان را با خود همراه سازد. ٥٠ هزار استخدام جدید دولتی در بخش امنیتی کار دیگر سلطان هیثم در روزهای نخست حکومتش بود (AlSherbini,2020).

در صورتی که سلطان جدید با بحران مشروعیت داخلی روبرو شود قطعا انتظار سیاست خارجی موازنه مثبت و به سان گذشته متعادل کمی دور از ذهن است؛ بحرین شاهد مثال خوبی برای این مطلب در منطقه است. مثال دیگر این موضوع در زمان ترور سردار سلیمانی اتفاق افتاد. چون هنوز اوضاع داخل عمان بعد از قابوس آرام نشده بود، امیر قطر به تهران آمد و سعی کرد میان ایران و آمریکا میانجی‌گری کرده و بحران را کاهش دهد؛ نقشی که به صورت سنتی عمان بازی می‌کرد.

٤-٦. شورای همکاری خلیج‌فارس

نوع نگاه شورای همکاری خلیج‌فارس خصوصا عربستان سعودی به تغییر سلطان در عمان حائز اهمیت است. در شرایطی که منطقه خلیج‌فارس به شدت تحت‌تاثیر حوادث یمن، بحرین، عراق و سوریه قطبی شده است، این احتمال وجود دارد که در ابتدای کار سلطان

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ١٣٩٨
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

جدید، توسط شورای همکاری خلیج‌فارس به‌ویژه عربستان، درجهت نمایش وحدت شورای همکاری در برابر آنچه که جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ایران نامیده می‌شود، فشار بر عمان در جهت همنوا شدن بیشتر با شورا و فاصله گرفتن از ایران اعمال شود. این فشار در سایر بحران‌های منطقه‌ای دیگر نیز که عمان ساز ناکوک در شورا می‌دمد هم قابلیت به فعل درآمدن را دارد (Hubbard,2020). در زمان سلطان قابوس علیرغم مخالفت‌ها و مواضع متفاوتی که عمان در شورا به نسبت سایر اعضا در موضوعات حاد منطقه‌ای داشته، فشارها بر عمان به نسبت پایین بوده و به‌نوعی مواضع متفاوت سلطان قابوس همچون رویه‌ای ناخوشایند اما معمول مورد پذیرش اعضا بوده است؛ اما این شرایط می‌تواند در دوره سلطان هیثم به نوعی دیگر رقم بخورد. به خصوص که سلطان جدید برای مدیریت ثبات در شرایط اقتصادی به کمک کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیازمند است. البته سلطان هیثم درباره ادامه راه قابوس در سیاست خارجی چندین بار سخن گفته است (Jafari,2020).

۵-٦. ایالات متحده و ایران

ایالات متحده و ایران سال‌هاست که از سیاست موازنه مثبت سلطان عمان راضی هستند و همواره این سیاست را در جهت ثبات منطقه دانسته و از آن حمایت کرده‌اند. اما این مورد می‌تواند پس از سلطان قابوس دستخوش تغییر شود، به خصوص اگر فضای روابط ایران و آمریکا به تخاصم میل کند و شرایط ویژه‌ای را بر محیط پیرامونی عمان بار کند، این احتمال وجود دارد که سلطان تازه‌کار نتواند همانند سلطان مجرب و خلف خود تعادل روابط با این دو کشور را با هنرمندی گذشته در سیاست منطقه‌ای خود بکار گیرد. در این شرایط و با فشارهای احتمالی ایران و ایالات متحده دور از ذهن نخواهد بود که سلطان هیثم همچون سایر سلاطین حوزه خلیج‌فارس دست به انتخاب زده و از سیاست خارجی سنتی خود فاصله بگیرد. این امر در زمان سیاست فشار حداکثری ترامپ و سیاست مقاومت حداکثری جمهوری اسلامی معنای بیشتری می‌یابد. ایران و آمریکا در سال ۲۰۱۹ چندین بار تا آستانه جنگ محدود یا تمام عیار پیش رفتند و این امکان برای سال ۲۰۲۰ نیز دور از ذهن نخواهد بود به گمان بعضی اندیشمندان مشکل بزرگ میان این دو کشور در وجود حس عدم اعتماد طولانی موجود است (سیمبر و ملک محمدی، ۱۳۹۷: ۳۵-۳٦).

عمانی‌ها برخلاف دیگر کشورهای عربی منطقه که درباره توسعه طلبی ایران صحبت می‌کنند، از ایران به‌عنوان عاملی برای ایجاد توازن دربرابر توسعه‌طلبی عربستان استفاده می‌کنند و معتقدند هرچقدر با ایران همکاری بیشتری صورت گیرد، رفتار ایران میانه‌روتر خواهد بود (Cafiero,2020).

۷. سناریوهای احتمالی

پس از شناخت نیروهای پیش‌ران به مرحله منطق‌دهی می‌رسیم. منطق‌دهی به سناریوها در واقع سازمان‌دهی به موضوعات، اصول و مبانی و مفروضاتی است که به هر سناریو ساختاری منطقی یکپارچه، سازگار و قابل باور می‌بخشد. با بررسی عوامل و پیشران‌های مختلف بر سیاست‌خارجی عمان در دوره جدید می‌توان به سناریوهای مختلفی رسید.

البته شایان تذکر است که با ادغام تمامی پیشران‌ها با یکدیگر تعداد بسیار زیادی گزینه برای سناریوسازی شکل گرفت که از آن تعداد به ٤ سناریوی محتمل براساس منطق سیاست خارجی و اصول سناریونگاری شهودی رسیدیم. علاوه بر منطق سیاست خارجی و اصول سناریونگاری برای به‌چین نمودن سناریوها و جامعیت مجموع احتمالات از اعتباردهی کمی به سناریوها همانند طیف لیکرت[1] در افکارسنجی استفاده نمودیم.

براین اساس سناریوهای محتمل درخصوص موضوع مقاله عبارتند از:

سناریو اول: بحران مطالبات مردمی، حمایت ناقص کانون‌های سنتی قدرت از جانشین، پشتیبانی عربستان و شورای همکاری خلیج‌فارس از سلطان جدید : همنوایی کامل با شورای همکاری خلیج‌فارس.

سناریو دوم: سرکوب بحران مطالبات مردمی، فشار منطقه‌ای و بین‌المللی: گرایش بازگشت به انزواگرایی دوران سلطان سعید بن تیمور.

سناریو سوم: پذیرش مردمی، حمایت کامل کانون‌های سنتی قدرت از جانشین، حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی: تداوم سیاست خارجی موازنه مثبت عمان.

1. Likert scale

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

سناریو چهارم: بحران مطالبات مردمی، افزایش بحران‌های محیطی عمان، افزایش تنش روابط تهران–واشنگتن: گرایش بیشتر به‌سمت ایالات متحده و حفظ استقلال بیشتر از شورای همکاری.

در ادامه هرکدام از این سناریوها به‌همراه جزئیاتش تشریح خواهد شد.

۱-۷. سناریو اول: همنوایی کامل با شورای همکاری خلیج‌فارس

اگر شکاف خانوادگی درباره سلطان هیثم آشکار شود و از درون خاندان سلطنتی حاکم که هر یک دارای نفوذ سیاسی قابل توجه در کشور هستند، صداهای عدم رضایت شنیده شود؛ این مساله باعث بحران حمایت در بین کانون‌های سنتی قدرت، یعنی شیوخ قبایل، طوایف و نیز نیروهای امنیتی و نظامی خواهد شد. در این بین و با مناقشه پیش آمده، نیروهای مطالبه‌گر مردمی که خواهان تغییرات و اصلاح امور اجتماعی و خصوصا اقتصادی هستند از فرصت پیش آمده استفاده نموده و درصدد پیشبرد خواسته‌های خود در برابر حکومت بر خواهند آمد که در حوادث سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ دنیای عرب مجال آن فراهم نشد. با انشقاق پیش آمده در سطوح بالای نظام سیاسی–امنیتی کشور و عدم وفاق اجتماعی به نسبت زمان قابوس، سلطان هیثم فاقد ابزارهای کارآمد برای سرکوب و فرونشاندن اعتراض‌ها در لایه‌های نظام سیاسی–اجتماعی عمان خواهد بود و در شرایط ملتهب منطقه عربی بسیار منطقی خواهد بود که سلطان جدید در صدد جلب حمایت منطقه‌ای و در راس آن، شورای همکاری خلیج‌فارس و عربستان برآید. در این شرایط عمان با همنوایی کامل در سیاست خارجی با شورای همکاری و عربستان، همانند بحرین بحران مشروعیت داخلی را با چتر امنیتی و حمایتی شورا مهار و تثبیت خواهد نمود. باید توجه داشت که انجام چنین اقداماتی مغایر خواست جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر ایالات متحده نیز نمی‌تواند حمایت میدانی موثری از سرکوب مردم داشته باشد.

۲-۷. سناریو دوم: بازگشت به انزواگرایی دوران سلطان سعیدبن‌تیمور

سلطان هیثم اجماع نسبی خاندان سلطنتی و حمایت آن‌ها، نظام دیوانسالاری کشور و نهادهای سنتی قدرت (شیوخ قبایل، طوایف و نیروهای نظامی امنیتی) را دارا می‌باشد، اما نیروهای اجتماعی تحول‌خواه و اصلاح‌طلب در این زمان خواستار برآورده شدن مطالبات

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند که سال‌ها زیر سایه سلطنت قابوس بدان دست نیافته بودند. جانشین منتخب (هیثم) خود یکی از ارکان الیگارشی اقتصادی حاکم بر عمان است و سعی خواهد نمود با وفاق و حمایتی که کانون‌های سنتی قدرت از او خواهند کرد با سیاست سرکوب و اقتدار با اعتراضات برخورد نماید که این امر می‌تواند فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای را بر سلطان جدید و کم‌تجربه عمان وارد سازد. در این موقعیت عمان ترجیح خواهد داد که با هزینه کم‌کردن روابط خود با معترضین بین‌المللی به روند سرکوب خود ادامه دهد. چنین رویکردی در سیاست داخلی و خارجی عمان امر مسبوق به سابقه‌ای است که در زمان سلطان سعیدبن‌تیمور اتفاق افتاده است.

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره نهم، شماره
پیاپی سی و پنجم،
زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات
منطقه‌ای و
بین‌المللی

۳-۷. سناریو سوم: تداوم سیاست خارجی موازنه مثبت عمان

سلطان هیثم با اجماع داخلی خانواده سلطنتی و بدون تنش کارش را ادامه می‌دهد و حمایت کانون‌های سنتی قدرت را به‌همراه خواهد داشت، در روند پذیرش مردمی نیز، شخص سلطان با درک فضای مطالبه‌خواه و تحول‌طلب نسل جدید عمان، با قول به اصلاحات و تحولات مورد درخواست نیروهای اجتماعی، سعی خواهد نمود به یک مصالحه ملی برای رشد و اصلاح نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با طبقه متوسط برسد. در این موقعیت و با اقتدار کاملی که در داخل برای سلطان هیثم وجود دارد، حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به تبع ثبات سیاسی داخلی که در این انتقال آرام قدرت صورت پذیرفته از سلطان جدید به سیاق سلطان قابوس ادامه خواهد داشت و سیاست‌های اصولی عمان در سیاست خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی همچنان تداوم خواهد داشت.

٤-۷. سناریو چهارم: گرایش بیشتر به سمت ایالات متحده و حفظ استقلال بیشتر از شورای همکاری

مخالفت تدریجی در خانواده سلطنتی در فرایند انتخاب سلطان هیثم زیاد شده و به موازات آن بحران مطالبات مردمی و بحران نفوذ نیز در کشور بوجود آمده است. در صورت ناامنی بیشتر منطقه خلیج‌فارس توسط کانون‌های بحرانی آن خصوصا یمن و سرریز شدن این بحران‌ها به محیط امنیتی عمان، مسقط با ناامیدی مزمنی که همواره به سازوکارهای امنیتی دسته‌جمعی منطقه خلیج‌فارس داشته، سعی خواهد نمود با استقلال عمل بیشتر نسبت به

همسایگان پرتنش خود نگاه ویژه‌تری به روابط راهبردی خود با ایالات متحده داشته باشد و در صورت افزایش تنش در روابط تهران – واشنگتن، باتوجه بـه شـرایط منطقـه‌ای و احساس ناامنی که سلطان هیثم از محیط پیرامونی عمان دارد، سخت است کـه رویکـرد میانه‌رو سلطان پیشین از سوی او ادامه یابد.

نام سناریو	پیش‌ران داخلی	پیش‌ران خارجی	پیش‌ران نادیده گرفته شده	نقطه کانونی سناریو	صبغه تاریخی
۱- همنـوایی کامل با شورای همکـاری خلیج‌فارس	کیفیـت جانشـینی - پذیرش مردمی	شورای همکاری خلیج‌فارس	شخص جانشین - ایران - ایالات متحده	بحـران مشروعیت	ندارد
۲- بازگشت به انزواگرایی	کیفیـت جانشـینی - شـخص جانشـین - پذیرش مردمی	ایـران - ایـالات متحده - شورای همکـاری خلیج‌فارس	-	سـرکوب داخلی	دارد
۳- تـداوم سیاسـت خارجی موازنه مثبت	کیفیـت جانشـینی - شـخص جانشـین - پذیرش مردمی	ایـران - ایـالات متحده - شورای همکـاری خلیج‌فارس	-	اصـلاحات سیاسی	دارد
٤- گرایش بـه ایالات متحده	کیفیـت جانشـینی - پذیرش مردمی	ایالات متحـده - ایران	شورای همکاری خلیج‌فارس	بحـران منطقه‌ای	ندارد

۸ نتیجه‌گیری و سناریوی محتمل

سلطان‌نشین عمان بـه‌لحاظ سـاخت سیاسـی دارای مـدلی آشـنا بـرای پژوهشـگران حـوزه خلیج‌فارس است. شخصی بودن قـدرت و انحصـار آن تحـت لـوای دیوانسـالاری متمرکـز خویشاند محور، اتکا به نیروی قاهره سخت به‌عنوان نیروی مرکزی مشـروعیت نظـام و نظـم سیاسی-اجتماعی بر پایه سنت‌های قبیله‌ای، عمان را یکی از نمونه‌های درخشـان نظـام پـدر شاهی نوین(نئوپاتریمونیالیسم) نموده است که در آن علیرغم موثر بودن نهادهای بوروکراتیک و سایر نهادهای اجتماعی بر سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، همچنان نهاد سلطنت و شخص

سلطان است که با فاصله بسیار زیاد، مصدر تصمیمات مهم حکومتی اعم از داخلی و یا خارجی است. سیاست خارجی عمان با وجود آنکه از حیث ماهیت امر، به‌طور طبیعی تحت تاثیر عوامل داخلی و محیطی شناخته شده‌ای است، اما نوع نگاه شخص سلطان و جایگاه نهادی آن مهمترین عامل در جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی کشور تا به امروز بوده است.

بر اساس مدلی که در این پژوهش دنبال شد، مهمترین تکانه‌هایی که می‌توانند در دوره سلطان هیثم، رویکرد موازنه مثبت عمان در سیاست خارجی را تحت‌تاثیر قرار دهد، در دو بعد داخلی و خارجی مورد بازشناسی قرار گرفت. در بعد داخلی چگونگی و کیفیت فرایند جانشینی، شخص جانشین و پذیرش و مقبولیت مردمی سلطان هیثم، و در بعد خارجی کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی موثر که عبارتند از شورای همکاری خلیج‌فارس، ایران و ایالات متحده عمده نیروهای پیش‌ران بر جهت‌گیری سیاست خارجی عمان به حساب می‌آیند.

بر اساس تحلیل و ترکیب احتمالی نیروهای پیش‌ران مذکور و بافت سیاسی-اجتماعی عمان و با توجه به تاریخ و سنت‌های مسبوق به سابقه این کشور در سیاست خارجی خود، چهار سناریوی ممکن برای سیاست خارجی عمان در دوره سلطان هیثم مورد شناسایی قرار گرفت. شایان تاکید است که سناریوهای تدوین شده تنها بر مبنای ترکیب محتمل نیروهای پیش‌ران مورد انتخاب محقق قرار نگرفت و این صبغه سیاست خارجی عمان و واقعیات داخلی و پیرامونی کشور است که منطق اصلی و مبنای انتخاب و نگارش سناریوها را تشکیل داده است.

سناریوی «همنوایی کامل با شورای همکاری خلیج‌فارس»، بر بحران مشروعیت داخلی سلطان جدید که متاثر از تنش در فرایند جانشینی، فشار مطالبات تجمیع شده مردم و عدم حمایت قاطعانه نهادهای سنتی قدرت از وضع جدید استوار است. در این سناریو محتمل‌ترین نیروی حامی سلطان هیثم در بعد خارجی شورای همکاری خلیج‌فارس خواهد بود و ضریب بالای این احتمال در این وضعیت، برآوردی است که از نوع تعامل خاص کشورهای حوزه خلیج‌فارس با شورای همکاری و خصوصا عربستان ناشی شده است. به دلیل بافت سیاسی تقریبا همگون کشورهای عضو شورای همکاری، مهمترین و در دسترس‌ترین نیروی حامی خارجی که می‌تواند دست آویز سلطان جدید برای عبور از بحران

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

مشروعیت باشد و نیز حساسیت کمتری هم در داخل در پی داشته باشد اعضای شورای همکاری، خصوصا عربستان خواهد بود. بحران بحرین نمونه نزدیک و متاخری از این نوع از مناسبات به‌شمار می‌آید.

سناریوی «بازگشت به دوران انزوا» برگرفته از سنت ماقبل سلطان قابوس است. در این سناریو، نقطه کانونی شخصیت و جایگاه شخص سلطان است، فاصله قابل توجهی که سلطان جدید با سلف خود دارد بستر اجتماعی مناسبی را فراهم خواهد آورد که در آن نیروهای اجتماعی در پی دستیابی به مطالبات خود باشند. در این فضا سلطان هیثم که دارای منافع اقتصادی قابل ملاحظه‌ای است و پشتوانه نهادهای سنتی قدرت را به همراه خود دارد، زمینه را برای سرکوب فعالان سیاسی و اجتماعی از سوی مراکز سنتی قدرت فراهم می‌سازد. در این سناریو دولت استراتژی انزواگرایی در سیاست خارجی را در پیش گیرد. نکته قابل ملاحظه در این سناریو این مطلب است که شدت انزواگرایی عمان متفاوت از آن چیزی خواهد بود که در دوران سلطان تیمور به وقوع پیوست. عمان امروز به دلیل ادغام بیشتر با جامعه بین‌المللی نمی‌تواند انزواگرایی قبل از قابوس را عینا بازآفرینی کند اما این امکان به قوت خود باقی است که رگه‌هایی از انزواگرایی دوباره بر جهت‌گیری کلی سیاست خارجی عمان سایه افکند.

در سناریوی «تداوم سیاست‌خارجی» هم در فرایند جانشینی و هم در پشتیبانی نهادهای سنتی و جدید قدرت سلطان جدید با تلاطمی مواجه نخواهد شد و در عین حمایت این نهادها، در مقابل نیروهای تحول‌خواه نیز مصالحه و وفاق به‌عنوان راه‌حل مناسب در نظر گرفته خواهد شد. در شرایطی که متغیرهای اساسی تکانه‌های منفی را بر پیکره نظم سیاسی داخلی عمان وارد نسازند، در زمان سلطان هیثم روند سیاست خارجی عمان بسان گذشته ادامه خواهد یافت.

در سناریو چهارم، «گرایش به ایالات متحده و استقلال بیشتر از شورای همکاری»، نقطه کانونی بحث عدم اطمینان از برآورده شدن و تامین نیازهای امنیتی کشور با اتکا بر نیروهای داخلی و منطقه‌ای است. در صورت بالا گرفتن تنش‌ها در محیط پیرامونی عمان، همچون تنش مابین ایران و ایالات متحده، ایران و عربستان و یا بحران یمن و عربستان که امکان سرایت آن به عمان نیز وجود دارد، و همچنین ناآرامی‌های داخلی در پی روی کار آمدن

سلطان هیثم، عمان را در جهت مستحکم کردن چتر امنیتی خود و فاصله گرفتن از کانون‌های بحران‌زای منطقه‌ای بیشتر به واشنگتن متمایل خواهد کرد.

در جمع‌بندی باید گفت که تغییر در سیاست خارجی کنونی عمان مستلزم به‌وقوع پیوستن تکانه‌هایی است که در این مقاله بدان پرداخته شد. اگر متغیرهای پیش‌رانی همچون عدم حمایت شورای همکاری خلیج‌فارس از سلطان جدید، انشقاق میان مراکز سنتی قدرت در جهت حمایت از سلطان هیثم، ناامنی فزاینده در محیط منطقه‌ای عمان که خاصیت سرریز شدن به داخل را داشته باشند، وقوع اعتراض و اغتشاش طبقه متوسط شهری در پی استیفای مطالبات و سرکوب آن توسط حکومت و تنش فزاینده میان ایران و آمریکا به موازات رشد ناامنی منطقه‌ای برای عمان به وقوع نپیوندد (این امر حاصل پژوهشی مفصل درخصوص ارزیابی امکان وقوع تکانه‌های ذکر شده است که توضیح آن‌ها در این مجال خارج از حوصله نوشتار می‌باشد)، سناریوی تداوم سیاست‌خارجی کنونی عمان در دوره سلطان هیثم سناریوی محتمل و مطلوب خواهد بود.

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

منابع

آدمی، علی و مختاری، مجید. (۱۳۹٦). «الزامات اقتصادی توسعه روابط ایران و عمان»، ***فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل***، دوره اول، شماره ۲۳، بهار.

آلیسن، گراهام. (۱۳٦٤). ***شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی: تفسیری بر بحران موشکی کوبا***، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

آنفان، پل‌بودن. (۱۳۷۹). ***شبه جزیره عربستان در حال حاضر***، مترجم: ابولحسن سرو قد مقدم، جلد دوم، آستان قدس رضوی.

ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۵). ***درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران***، تهران: نشر قومس.

اسدی، علی اکبر. (۱۳۸۹). «شورای همکاری خلیج‌فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی»، ***پژوهشنامه ۲۸***، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۸.

باربر، جیمز، و اسمیت، مایکل. (۱۳۸٤). ***ماهیت سیاستگزاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها***، ترجمه: حسین سیف‌زاده، تهران: نشر قومس.

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸٤). ***نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی***، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۹). «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان»، ***پژوهشنامه علوم سیاسی***، سال پنجم، شماره۳.

جعفری ولدانی، اصغر و ولدانی، رامین. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر ژئوپلیتیک مرزهای عمان با کشورهای هم‌جوار»، ***پژوهشنامه علوم سیاسی***، سال هشتم، شماره۱، زمستان.

چمنکار، محمدجعفر. (۱۳۹۳). «بنیاد امامت و سلطنت خاندان ابوسعیدی مسقط و عمان و چالش‌های حکومت‌های ایران در حوزه خلیج‌فارس و دریای عمان»، ***پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران***، دوره ۳، شماره پنجم، پاییز و زمستان.

حافظی، رضا، و اسمعیل‌زاده، حمید. (۱۳۹۳). ***راهنمای سناریونگاری***، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

حسن‌زاده جوانیان، هادی.(۱۳۹۲). «آینده‌پژوهی صنعت لاستیک در آسیا»، ***توسعه مهندسی بازار***، سال هفتم بهمن و اسفند، شماره ۳۵.

خزایی، سعید، و محمود زاده، امیر. (۱۳۹۲). ***آینده‌پژوهی***، تهران: نشر علم آفرین.

خلعتبری، فیروزه. (۱۳۸۸). «رویکرد آینده‌پژوهی به آینده انرژی در ایران»، ***راهبرد***، شماره ۵۲.

رازینی، صالح، سید مسعود مقدس تفرشی، سید محمد تقی بطحایی. (۱۳۸۹). «سناریونگاری با هدف آینده‌پژوهی در صنعت تولید برق ایران»، ***نشریه انرژی ایران***، دوره ۱۳، شماره ۳.

سیمبر، رضا و زیبایی، مهدی. (۱۳۹۵). «ناآرامی‌های عربی: ریشه‌های اجتماعی در بستر تاریخی»، ***فصلنامه سیاست جهانی***، دوره پنجم، شماره ٤، زمستان.

سیمبر، رضا و ملک محمدی، لیلی. (۱۳۹۷). «چرخه اعتماد در روابط بین‌الملل: مطالعه موردی ایران و امریکا»، ***فصلنامه سیاست جهانی***، دوره هفتم، شماره ٤، زمستان.

شرابی، هاشم. (۱۳۸۰). ***پدرسالاری جدید***، ترجمه: احمد موثقی، تهران: کویر.

شهابی، هوشنگ و لینز، خوان. (۱۳۸۰). ***نظام‌های سلطانی***، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.

عابدی جعفری، داوود سلمانی، محبوبه رادمند. (۱۳۸۹). «بررسی نیازهای منابع انسانی برنامه پنجم توسعه: رویکردی آینده‌پژوهی»، ***راهبرد***، پاییز، شماره ٥٦.

قاسمی نژادمایانی، بهزاد. (۱۳۷۳). جامعه و مکانیزم‌های مشروعیت‌ساز سیاست خارجی در رژیم محمدرضا پهلوی، ***پایان نامه کارشناسی ارشد،*** دانشگاه تهران.

گویا، فاطمه. (۱۳۹۳). «آینده‌پژوهی صنعت خرده‌فروشی»، ***توسعه مهندسی بازار،*** آذر و دی، شماره ٤٠.

لطفی، منیره. (۱۳۹۳). «آینده‌پژوهی صنعت اسباب بازی»، ***توسعه مهندسی بازار،*** فروردین و اردیبهشت، شماره ٣٦.

لیندگرن، ماتس، و یاندهولد، هانس. (١٣٨٦). ***تدوین سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد،*** ترجمه عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

سیرایی، محمد، حسین. (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه ژئوپولتیک تنگه هرمز بر روابط ایران و عمان پس از انقلاب اسلامی»، ***پایان نامه،*** دانشگاه آزاد اسلامی کرج.

مومنی، فرشاد، و نایب، سعید. (۱۳۹۱). «تبیین آیندهٔ اقتصاد ایران: تطبیق چهارچوب نظری نهادگرایی جدید با الگوی مبتنی بر سناریو»، ***دو فصلنامه اقتصاد تطبیقی،*** پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان.

نعیمی ارفع، بهمن. (۱۳۷۰). ***مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج‌فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران،*** تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

واعظی، محمود. (۱۳۸۹). «شورای همکاری خلیج‌فارس و قدرت‌های غربی: تداوم و تغییر در حوزه‌های تعامل»، ***پژوهشنامه ۲۸،*** معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۸.

وبر، ماکس. (١٣٧٤). ***اقتصاد و جامعه،*** ترجمه: عباس منوچهری و دیگران، تهران: مولی.

هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). ***سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی،*** ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

Akseki, Emin. (2010). **OMAN'S FOREIGN POLICY BETWEEN 1970 -2008**(Doctoral dissertatio), Turkey: School of social science of Middle East technical university, from: https://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12611979/index.pdf, Retrived at 14/8/2015.

Bianco, Cinzia. (2020). Meet Oman's new sultan. How will he navigate the region's turmoil?, **the Washington Post**, Jan. 15, retrieved from: https://www.washingtonpost.com/politics/2020/01/15/meet-omans-new-sultan-how-will-he-navigate-regions-turmoil/, retrieved at: 2020/06/10.

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی

Common, Richard K. (2011). "BARRIERS TO DEVELOPING 'LEADERSHIP' IN THE SULTANATE OF OMAN", **International Journal of Leadership Studies**, Vol. 6 Iss. 2.

Grappo, Gary A. (2015). In the Shadow of Qaboos: Contemplating Leadership Change in Oman, the **AGSIW**, from: http://www.agsiw.org/in-the-shadow-of-qaboos-contemplating-leadership-change-in-oman/, Retrieved at 15/8/2015.

Hubbard, Ben. (2020). Oman's New Sultan Vows to Continue Country's Peacemaking Path, **the New York Times**, from: https://www.nytimes.com/2020/01/11/world/middleeast/oman-sultan.html, Retrived at: 2020/01/10.

Kadhim, Abbas. (2013). **the solitary sultan and the construction of the new Oman**, New Yourk, Routledge, http://www.jepeterson.net/publications.html, Retrieved at 29/7/2015.

Kaplan, Robert D. (2013). **Oman's Geopolitical Centrality**, Stratfor: Global Intelligence.

Katz, Mark N. (2004). **Assessing the Political Stability of Oman**, Rubin Center, research in International Affairs, from: http://www.rubincenter.org/2004/09/spyer-2004-09-01/, Retrieved at 27/7/2015.

Katzman, Kenneth. (2013). "Oman: Reform, Security, and U.S. Policy", **Congressional Research Service**, NO. 7-5700, from https://www.fas.org/sgp/crs/mideast/index.html,Retrieved at 16/7/2015.

Kutty, Samuel. (2020). Vision 2040 eyes increase in economic growth, **Oman Observer**, Feb. 19, retrieved from: https://www.omanobserver.om/vision-2040-eyes-increase-in-economic-growth/, retrieved at: 2020/06/10.

N,n. (2011). Basic Law, **Omani Ministry of Legal Affairs official site**, retrieved from: http://www.mola.gov.om/maraseem/948/99-2011.pdf, retrieved at: 2020/06/10.

N,n. (2020). Haitham bin Tariq sworn in as Oman's new sultan, **Aljazeera**, from: https://www.aljazeera.com/news/2020/01/haitham-bin-tariq-named-successor-oman-sultan-qaboos-200111060309444.html, Retrived at: 2020/01/10.

N,n. (2020). Oman's Economic Update-April 2020, the **World Bank**, APR. 16, retrieved from: https://www.worldbank.org/en/country/gcc/publication/oman-economic-update-april-2020, retrieved at: 2020/06/10.

n,n. (2020). **Royal Decree No. 101/96 promulgating the Basic Statute of the State**, International Labor Organization, from: http://www.ilo.org/aids/legislation/WCMS_125868/lang--en/index.htm, Retrived at: 30/6/2015.

Ogilvy, Jay, and Schwartz, Peter. (1998). **Plotting Your Scenarios**, Global Business Network, from: http://www.meadowlark.co/web/scenario_planning.html, Retrived at: 30/6/2015.
Oxford Analytica. (2012). **Oman succession unlikely to jeopardize stability**, London: jepeterson, from: http://www.jepeterson.net/publications.html, Retrived at: 3/7/2015.
Peterson, JE. (2011). "Oman Faces the Twenty-First Century", **Political Change in the Arab Gulf States**, London: LYNNE RIENNER PUBLISHERS.
Peterson, JE. (2014). **America and Oman: The Context for Two Nearly Centuries of Relations**, JEPeterson Publications, Arizona; USA Simultaneously published in the USA and Canada.
Rosenau, James. (1971). **the Scientific Study of Foreign Policy**, New York: Free Press.
Valery, marc. (2006). **Liberalization from Above: Political Reforms and Sultanism in Oman**, Constitutional Reform and Political Participation in the Gulf, Dubai, Gulf Research Center, Pp: 187-211.
Valery, marc. (2014). **Oman's mediatory efforts in regional crises**, Norwegian Peacebuilding Resource Centre (NOREF), Oslo, Norway, from: http://www.peacebuilding.no/, Retrived at: 30/6/2015.
Vera, Amir; Picheta, Rob; Barnes, Taylor. (2020). Oman names a new leader after the death of Sultan Qaboos bin Said, **CNN**, from: https://edition.cnn.com/2020/01/11/middleeast/oman-sultan-qaboos-bin-said-death-intl/index.html, Retrived at: 2020/01/10.
WikiLeaks. (2009). **Business Oligarchs and Government in Oman's Economy**, from: https://wikileaks.org/plusd/cables/09MUSCAT851_a.html, Retrived at: 5/7/2015.
Diwan, Kristin. (2020). Oman's New Sultan Unlikely to Pursue Qaboos' Monopoly of Power, the **AGSIW**, Feb. 10, retrieved from: https://agsiw.org/omans-new-sultan-unlikely-to-pursue-qaboos-monopoly-of-power/, retrieved at: 2020/06/10.
AlSherbini, Ramadan. (2020). Oman's sultan orders high-ranking appointments, the **Gulf News**, retrieved from: https://gulfnews.com/world/gulf/oman/omans-sultan-orders-high-ranking-appointments-1.72392336, retrieved at: 2020/07/03.
Jafari, Saeid. (2020). Will ties with Iran change under Oman's new sultan?, **Al-Monitor**, Feb. 24, retrieved from: https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2020/02/iran-oman-ties-new-sultan-qaboos.html, retrieved at: 2020/06/10.
Cafiero, Giorgio. (2020). Oman's new sultan and US-Iran tensions, the **Atlantic Council**, retrieved from: https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/omans-new-sultan-and-us-iran-tensions/, retrieved at: 2020/06/10.

پژوهش‌های روابط بین‌الملل
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و پنجم، زمستان ۱۳۹۸
ویژه‌نامه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی